

اظهارات رهبران انقلاب ۱۴
فوری به بحرین و مخالفان رژیم
در دادگاه های نظامی آل خلیفه



ترجمه: علیرضا بیگی
با همکاری سجاد رفیعیان



فهرست

.....	سخن مترجم	۵
.....	تأملی در تاریخ	۷
.....	اظهارات استاد عبدالوهاب حسین	۱۵
.....	اظهارات استاد مجاهد حسن مشیمع	۴۵
.....	اظهارات آیت الله شیخ عبدالجلیل مقداد	۷۳
.....	اظهارات حجت الاسلام عبدالهادی المخوضر	۸۵
.....	اظهارات شیخ محمد حبیب المقداد	۹۹
.....	اظهارات عبدالهادی الخواجه	۱۴۹
.....	اظهارات عبدالجلیل یوسف السنکیس	۱۶۹
.....	اظهارات حجت الاسلام والمسلمین سعید النوری	۲۱۹
.....	اظهارات ابراهیم شریف السید موسی	۲۴۹
.....	اظهارات استاد محمد علی رضی اسماعیل	۵۶۲
.....	اظهارات حجت الاسلام والمسلمین عبدالله عیسی المحروس	۲۸۵
.....	اظهارات استاد صلاح عبدالله جمیل الخواجه	۳۱۵
.....	اظهارات استاد محمد جواد پرویز	۳۶۹

سخن مرجم

ترجمه و تدوین این کتاب را تقدیم می‌دارم به سرور عزیز و بزرگوار، دوست ارزشمند، سریار ولایت و رهبر انقلابی، «حضرت حجت الإسلام والمسلمین جناب آقای سید مرتضی السنندی» که با صبر و پایداری در مقابل ظلم و ستم بی‌دین زمان و با تدابیر هوشمندانه در قبال اقدامات ناشایست این نابخردان، تلاش داشته‌اند تا مردم مظلوم و ستم‌دیده بحرین را برای رسیدن به حقوق مشروع خود یاری فرمایند. باشد که مورد لطف الهی و عنایات حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند. همچنین از جناب آقای حبیب الله بشاری (حفظه الله) هم سنگردیرینه‌ی مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی کمال تشکر و قدردانی را دارم، که همواره تلاش داشته‌اند تا محیطی مناسب را برای دانش‌جویان دانشگاه امام صادق علیه السلام مهیا سازند تا آنان بتوانند در راستای پیشبرد اهداف اسلام و انقلاب اسلامی گام بردارند. خداوند این بزرگ‌مرد را در سایه‌ی حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ فرمایند. آمین

التماس دعا

علیرضاییگی

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تأملی در تاریخ...

ایستادند، همان گونه که مدد، سرفراز هم چون کوه، در مقابل بنده زاده مملوکی که از خود دارای هیچ نفع و ضرری نیست و تنها مطیع او امر دیگری است و دین و آخرت خود را به نیای دیگری می فروشد. تاریخ در سالن «دادگاه» حوادثی که برای این بزرگان اتفاق می افتاد را با خون شهدا، قربانیان و بی گناهان مکتوب ساخته و به ثبت رساند. آنان می دانستند که در مقابل قضاوت و دادگاه مستقل و عادل قرار ندارند لذا قبل از این که آن بنده مملوک آل خلیفه حکم را صادر کند، خودشان از حکم دادگاه مطلع بودند. درون خود انسان هایی را نگه داشتند که مواضعشان استوار و در قلب هایشان پاک و صادق بودند. ایمانشان به پروردگار و این که به زودی پیروز می شوند، ثابت بوده و از گفته های بندگان دنیا تأثیر نمی پذیرفتند. دیروز شیران پیکار بودند. امروز هم در قلب های مردم انقلابی که مراحل آگاهی را پشت سر گذاشتند شیر پیکارند. آن ها حقیقتی که امام حسین (ع) بیان کرد را به شکل قاطع

درک می‌کنند. امام حسین علیه السلام فرمودند: «مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز مایه ملالت و بدبختی نمی‌بینم.» بیشتر رهبرانی که در مقابل دادگاه‌های ظالم و طغیان‌گر آل خلیفه ایستاده بودند، از کسانی هستند که از دهه‌های گذشته یاد طولایی در مبارزه داشته و از صاحبان منبر به شمار می‌روند. افرادی بودند که در تظاهرات خیابان‌ها شرکت می‌کردند و در میدان‌های تظاهرات همواره مستقر بودند و همراه با مردم شعار سمری دادند. آن‌ها جوان مردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام ایمان و هدایتشان بیفزودیم و دل‌های پاک آن‌ها را سخت استوار و دلیر ساختیم. آن‌گاه که آن‌ها قیام کرده گفتند، خدای ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ‌کس را به خدایی نمی‌خوانیم که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیروایم. آنان به نسل‌های آینده معانی ایمان و کرامت و پایداری و استقامت را آموختند، گرچه فهم آن برای بسیاری از افراد دشوار است.

بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوه‌گیس نباشید. مردم نیز پشت سر این افراد حرکت می‌کنند زیرا می‌دانند که این افراد از خدا می‌ترسند. تنها از وسوسه‌های شیطانی که بسیاری را به سوی انقلاب و فرهنگ آن دور ساخت، دوری می‌گیرند.

رهبران بحرین که انقلاب ۱۴ فوریه^(۱) را هدایت می‌کردند، پس از آن‌که از زندان آزاد شدند یا از تبعید بازگشتند، چند روز پس از شروع

انقلاب، بدون آن‌که تلاشی برای آرام ساختن تظاهرات داشته باشند، عنان انقلاب و رهبری آن را به دست گرفتند. این امر موجب فزون یافتن شدت خشم حکام آل خلیفه نسبت به آنان گردید لذا تظاهرات مردم که خواهان تغییر و اصلاح بودند را با تبلیغات رسانه‌ای و سازمان‌های سرکوب‌گر کاهش دادند. تجربه به آنان آموخت که ممکن نیست، دیکتاتورهای حکومت دموکراتیک تشکیل دهند و ظالم نیز عزت‌پیشه گیرد. آنان می‌دانستند که حل ناقص مشکلات سیاسی موجب افزایش ظلم و استبداد حاکم می‌شود.

آنان چندین دهه تجربه ناکارآمد همزیستی با گروهی که سرزمین یک ملت را با جباران آنان گرفته و با شدیدترین روش‌های شکنجه برآنان حکومت می‌کنند را به همراه داشتند. ریشه این جنبش‌های مطالبه‌گرانه به اواخر دهه هفتاد بازمی‌گردد. در آن زمان که جنبش‌های چپ و سکولار نیز به دنبال آزادی و استقلال و حقوق خود بودند.

این رهبران برای بیش از سی سال به نماد و سمبل‌های دینی و ملی دیگری، در صدر جنبش‌های انقلابی متعددی در دهه هشتاد و نود قرار داشتند و ظلم، وحشیگری، استبداد و زوروری حکومت آل خلیفه را احساس می‌کردند. این افراد هیچ‌گاه اعتقادی به مایفه‌گرایی نداشته‌اند و خاندان حاکم را در تعامل با این مذهب باور نداشتند و منصف نمی‌دانند بلکه آن‌ها را افرادی اشغال‌گرو غاصب می‌دانند که اختلاف‌افکنی میان همه مذاهب و طوایف موجود در بحرین را دنبال می‌کند. این افراد پس از انتفاضه دهه ۹۰ امیدوار بودند که وارد عرصه جدیدی شده‌اند که در آن حکمرانی و تصمیم‌گیری در اختیار قانون و مشارکت همه مردم است اما به سرعت فهمیدند که میثاق

خاندان حاکم تنها نیرنگ و خدعه پلیدی برای سرکوب میهن و مردم بوده است. خاندان حاکم پس از نیرنگ در میثاق ملی و پس از لغو قانون اساسی شرعی که به آنان اجازه حکمرانی داده بود، اقدام به جایگزین ساختن مردم خارجی به جای مردم حقیقی بحرین کردند.

آن قهرمانان در مقابل همه روش‌های خدعه و نیرنگ و سیاست‌های تبعیض و قوانینی که استبداد را مشروع می‌ساخت، ایستادگی کرده و همراهی با حاکم جدیدی که پس از مرگ پدرش در سال ۱۹۹۹ به قدرت رسیده بود را نپذیرفتند. آنان در طول یک دهه فاصله میان میثاق آل خلیفه و شعله‌ور شدن انقلاب‌های بهار عربی استقامت ورزیدند. آنان شاه، ماحرا بودند و قلب‌هایشان از دیدن این حوادث به درد می‌آمد. آنان می‌دیدند که چگونه برخی از مخالفان حکومت فریب برنامه‌های سیاسی خاندان حاکم را خورده‌اند و به عضویت برخی از مؤسسات دولتی درآمده‌اند. قلب‌هایشان خون می‌گریست زیرا می‌دیدند که معارضان تاریخی بحرین به دو قسم تقسیم شده‌اند: مخالفان سیاسی و مخالفان انقلابی.

مخالفان سیاسی موافقت کردند که به برنامه‌های سیاسی نظام بحرین ورود یابند. برخی از این افراد در پاره‌ای از مؤسسات خدماتی همچون شوراهای شهر یا روستا مشغول شدند و برخی دیگر از این افراد نیز در مؤسسات سیاسی همچون شورای مشورتی و پارلمانی به فعالیت پرداختند.

مخالفان انقلابی نیز همچنان به مواضع خود مصمم بودند و همچنان با اقدامات آل خلیفه و سرکوب سیاسی که در سال ۲۰۰۲ در حق مردم انجام داد، به مخالفت می‌ورزیدند. این گروه هزینه سنگین

پایداری بر مواضع خود را نیز پرداخت کرد. از جمله: محدودیت در انجام فعالیت‌ها، دستگیری بیش از ۵۰۰ نفر از اعضا و رهبران این جریان در تابستان ۲۰۰۲.

در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به محض این که انقلاب مردم بحرین اوج می‌گیرد، رهبرانی که خارج از زندان بودند، هدایت این انقلاب را به دست می‌گیرند. هنگامی که دیگر رهبران از زندان آزاد شدند، به سوی میدان لؤلؤ رفتند و در کنار مردمی که می‌خواستند از بندگی و فساد حکومت آل خلیفه به پایان برسانند، ایستادند. از این زمان به بعد تاریخ جدیدی شروع می‌گردد که انقلاب را از تمامی فعالیت‌هایی که سعی در تغییر و تحریف آن داشتند، معصوم می‌سازد. انقلاب جدیدی که آغاز گردیده بود، همانند گذشته اهداف محدودی را دنبال نمی‌کرد بلکه خواهان تغییری بود که فساد، ظلم و بی‌عدالتی و استبداد را ریشه‌کن کند. با ورود مردم و رهبران به میدان لؤلؤ، سیاست‌گذاران و آوارگی‌های طولانی، نظام از لحاظ سیاسی و اخلاقی سقوط کرد زیرا از عربستان سعودی که به دنبال ایفای نقش وسیع و دشمنانه در منطقه می‌گشت، تقاضای کمک کرد. پس از چند روز از رسیدن نیروهای اشغال‌گر عربستان سعودی، رهبران و سبیل‌های دینی و ملی انقلاب به همراه هزاران نفر از مردم انقلابی در اولین ضربه نیروهای اشغال‌گر دستگیر شدند. با این اقدام کشور وارد بدترین دوره از تاریخ خود شد. جوانان در خیابان‌ها به خاک و خون کشیده می‌شدند. معترضان زندانی تا سرحد مرگ در زندان‌های مخوف آل خلیفه شکنجه می‌شدند. در آن زمان مساجد ویران گردید. به شرف و آبروها هتک حرمت شد. به پزشکان، ورزشکاران و معلمان ظلم و ستم شد. زن‌ها ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفتند. حقیقتی که توسط آل خلیفه و حامیان آنان غیرقابل انکار

می‌باشد، این است که آنان به کمک ارتشی متشکل از شش کشور از جمله عربستان، امارات، پاکستان، اردن و نیروی دریایی آمریکا و نیروهای پایگاه نظامی انگلستان که به تازگی تأسیس شده است، توانسته‌اند قدم‌های نامبارک خود را در زمین پاک بحرین ثابت سازند.

آن سبیل‌ها و نمادهای دینی و ملی که در رأس آنان دو استاد بزرگ، حسن مشیمع و عبدالوهاب حسین قرار دارند، به همراه دیگر قهرمانان از جمله شیخ عبدالجلیل المقداد، شیخ محمد حبیب المقداد، شیخ میرزا المحروس، دکتر عبدالجلیل السنکیس، استاد عبدالهادی الخواجه، محمد حسن فیروز، شیخ عبدالهادی المخوضر و شیخ سعد الشوری در مقابل دادگاه‌های جبار و ظالم آل خلیفه ایستادگی کردند. رنج‌های آنان به مثابه رنج و سختی‌های مردم است. این دلیران از آن چه بر آنان وارد آمد هم چون شکنجه‌های وحشیانه، اهانت و ناسزاهای بدون حجب و عفت سخن گفتند. استاد عبدالوهاب حسین نیز جمله معروف و تاریخی خود را به قاضی آل خلیفه بیان داشت و گفت: «من تو و حکومت‌هایی که بر من استوار است نمی‌شناسم». در حق این قهرمانان احکام ظالمانه‌ای صادر شد که بدترین آن «حبس ابد» است. این‌گونه بود که صفحه دیگری از تاریخ یکار ملی به رشته تحریر در می‌آید که مهمترین ویژگی‌های آن عدم همکاری و سازش با حکومتی است که نسب آن به قبایل بدوی بر می‌گردد.

در این کتاب مستندات محاکمات و دادگاه‌های ظالمانه و اعترافات دروغینی که نسبت به این قهرمانان صورت پذیرفت وجود دارد. آن چه که آنان از مواضع و حقایق به ثبت رسانده‌اند، گواه و شهاداتی است که برای اثبات بی‌گناهی خود و محکومیت نظامی

ظالم تبیین شده است. حکومتی که با توجیهات بسیاری پابرجا است و الان نیز چاره‌ای جز ترک بحرین ندارد. این مطالب گواهی محکومیت خاندان حاکم بحرین و حامیان آن است که این قهرمانان با آزادی، صداقت، بدون ترس و با کرامت بیان داشته‌اند و با افتخار و شهادت برای بحرین تاریخی درخشان از پیکار ۱۳ رهبر را به ثبت رسانده‌اند. این کتاب از ظلمت و تاریکی سخن به میان می‌آورد و با فریب از صاحبان وجدان بیدار و آزادگان می‌خواهد تا در کنار انقلاب مردم بحرین و رهبران آن به مقابله با خاندان آل خلیفه و حامیانش به ویژه عربستان سعودی پلید بپردازند.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الْمُغَافِلِينَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ* مُنْطَعِنَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنَدْتُهُمْ هَوَاءً﴾^(۱)

«و خدا را از آن چه ستمکاران می‌کنند غافل مپندار. جزاین نیست که [کیفر] آنان را برای روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شود، به تأخیر می‌اندازد. * [آن ستمکاران] شتابان سر برافراشته و چشم برهم نمی‌زنند و [از وحشت] دل‌هایشان تهی است.»

با درود و احترام فراوان
 سعید شهابی